برخی ادعاها درباره صادرات نفت و وضعیت ذخایر ارزی و شاخص‌های اقتصاد کلان با وضعیت بازارها متفاوت است

آمارهای کاغذی

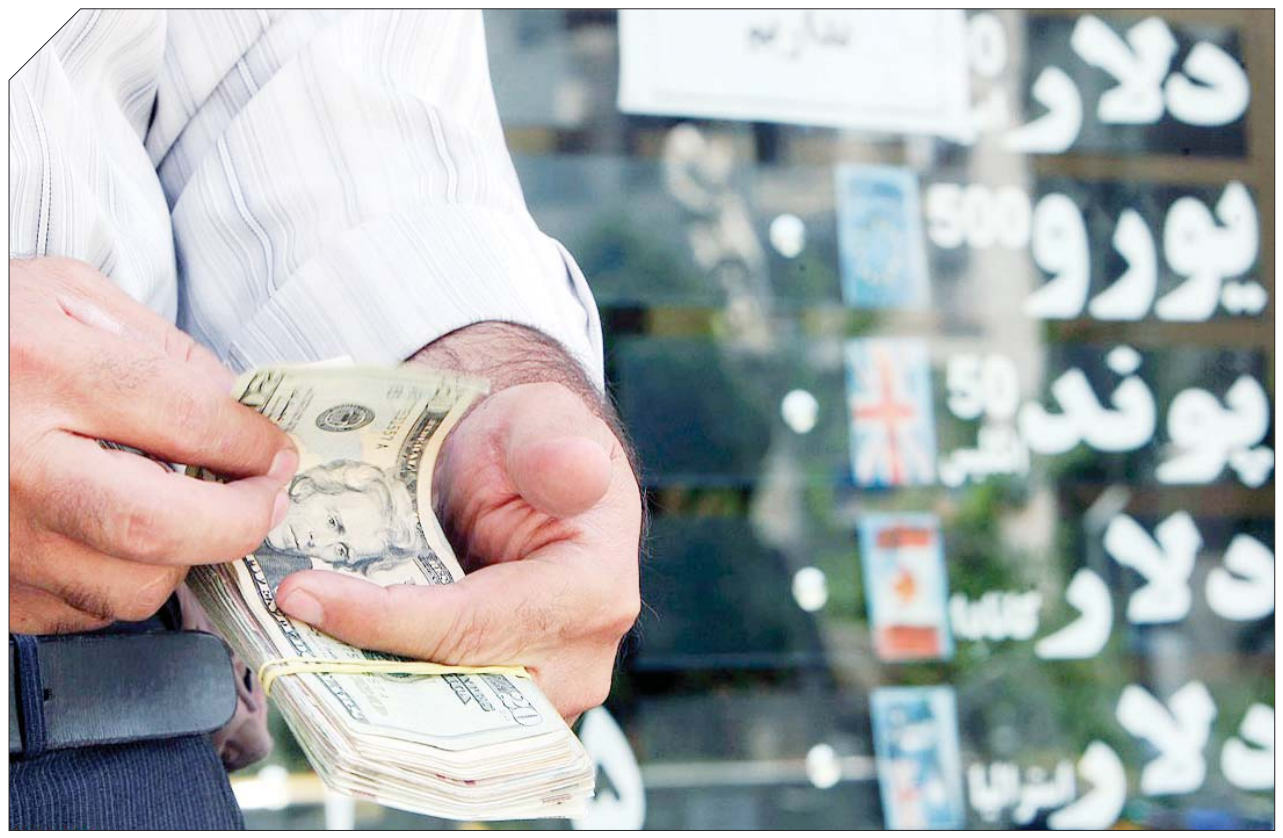

شرق: دلار این روزها روزانه و حتی به قول برخی از فعالان بازار، ساعتی رکورد می‌شکند. روز گذشته هم‌زمان با برگزاری نشست خبری رئیس کل بانک مرکزی، اسکناس آمریکایی در بازار آزاد در کانال ۳۹ هزار تومانی معامله شد. بااین‌حال، آقای رئیس در سخنانش نرخ بازار آزاد را غیرشفاف خوانده و گفته که در بازار رسمی ارز اوضاع خوب است و نیازهای ارزی تأمین می‌شود. البته این‌دست گفته‌های او چندان جدید نیست؛ چندین سال است هر زمان نرخ ارز سرکش می‌شود، حرف‌درمانی مقامات دولتی نیز آغاز می‌شود. برای نمونه در ماه‌های آغازین دولت سیزدهم، درحالی‌که رئیسی و تیمش دائم از خالی تحویل‌گرفتن خزانه و بدهی‌های کلان گلایه می‌کردند، رئیس کل بانک مرکزی ۲۱ اردیبهشت در اظهارنظری عجیب اعلام کرد: «در تاریخ بانک مرکزی هم‌اکنون بیشترین ذخایر اسکناس ارزی را در اختیار داریم».

زمانی که صالح‌آبادی از ذخایر تاریخی ارز می‌گفت، دلار در کانال ۲۵ هزار تومان بالا و پایین می‌شد و حالا در یک‌قدمی ۴۰ هزار تومان است، ولی همچنان می‌گوید همه چیز خوب و ذخایر کافی است!

همین دو هفته پیش هم سخنگوی دولت اعلام کرد درآمدهای حاصل از فروش نفت در مقایسه با ابتدای دولت، حدود ۲.۵ برابر شده است. حتی سخنگوی کمیسیون صنایع مجلس گفته بود صادرات نفت به اندازه پیش از تحریم بازگشته و ارز حاصل از آن نیز به کشور بازمی‌گردد. با وجود این، صندوق توسعه ملی و مرکز پژوهش‌های مجلس از بدهی سنگین وزارت نفت و ناتوانی این وزارتخانه در بازپرداخت می‌گویند، اظهارات درباره افزایش چاپ پول و وضع اقتصادی بد دولت اوج گرفته و نرخ ارز نیز هر روز در حال جهش است.

منافع کلان شبکه‌های مخفی در بازار ارز

صالح‌آبادی همچنین در نشست روز گذشته خود گفته که در بازارهای رسمی ازجمله در سامانه نیما، بدون هیچ مشکلی تأمین ارز انجام می‌شود و تأمین ارز در این بازار از ابتدای سال رشدی ۲۶درصدی را نشان می‌دهد؛ درحالی‌که بازار غیررسمی بازار محدود و غیرشفاف است.

هرچند اگر مبنای تحلیل را بازارهای رسمی هم قرار دهیم، وضعیت چندان فرقی نمی‌کند؛ نرخ ارز در این بازارها نیز دائم افزایشی بوده است. برای مثال، نرخ دلار نیمایی از ۲۵هزارو ۵۰۰ تومان در ابتدای تیرماه، به حدود ۲۹ هزار تومان رسیده است.

بااین‌حال، لطفعلی بخشی، اقتصاددان و استاد دانشگاه علامه طباطبایی، به «شرق» می‌گوید حرف صالح‌آبادی دور از حقیقت نیست، ولی انتقاد او معنایی ندارد؛ چراکه وضعیت فعلی در بازار غیررسمی نیز حاصل عملکرد خود سیاست‌گذار است.

او توضیح می‌دهد: اقتصاد ما اقتصادی ۴۰۰، ۵۰۰ میلیارد دلاری است، اما به علت سازوکارهای غلطی که خود دولت در پیش گرفته و امروز خودش به آن انتقاد می‌کند، با خرید و فروش چهار نفر در کوچه‌وپس‌کوچه‌های فردوسی نرخ ارز تعیین می‌شود. اگر چنین وضعی پیش آمده، مقصر خود دولت است که اجازه نداده معاملات شفاف شوند. حتی در بورس هم حجم مبنا لازم است برای قیمت‌گذاری، اما متأسفانه در بازار ارز ما چنین نیست و این حرف آقای صالح‌آبادی برخلاف همیشه درست است.

به گفته این کارشناس، قیمت ارزی که برخی روزها اعلام می‌شود هیچ مبنای علمی ندارد. برای مثال، نمی‌توان گفت این قیمت میانگین ۲۰۰ معامله‌ای است که با حجم کمتر از ۵۰۰ هزار دلار انجام شده است. بنابراین اعدادی که از بازار ارز بیرون می‌آید لزوما درست نیست؛ ضمن اینکه ممکن است خود دولت هم در این نرخ نقش داشته باشد.

بخشی تأکید می‌کند: وظیفه بانک مرکزی است که این وضعیت را درست کند؛ هرچند واقعیت این است که در کشور ما نرخ ارز دست بانک مرکزی هم نیست، بلکه گروه‌های قدرتمندی که رئیس بانک مرکزی در برابر آنها قدرت بزرگی محسوب نمی‌شود، درباره ارز تصمیم می‌گیرند. منافع کلانی پشت بازار ارز است که اگر به شکل یک تشکل قانونی و علمی دربیاید، دیگر قابل وصول نخواهد بود.

تکرار یک ادعا

«تورم را ۲۰ درصد کاهش داده‌ایم»؛ این ادعای دیگری است که روز گذشته از سوی رئیس کل بانک مرکزی مطرح شد. گفته‌ای که پیش از این رئیس دولت هم بیانش کرده بود. نیمه اول شهریور ابراهیم رئیسی اعلام کرد در سال اول ریاست‌جمهوری او نرخ تورم ۲۰ درصد کاهش یافته است؛ آن‌هم در شرایطی که مرکز آمار ایران نرخ تورم سالانه منتهی به مرداد ۱۴۰۰ را که آن زمان آخرین تورم اعلام‌شده بود، ۴۵.۲ درصد و نرخ تورم نقطه به نقطه مرداد سال گذشته را ۴۳.۲ درصد اعلام کرده بود. همان زمان صالح‌آبادی با استناد به آمار بانک مرکزی از این گفته رئیس‌جمهور دفاع کرد. درواقع آقای رئیس‌جمهور و سیاست‌گذار پولی او برای ارائه این آمار مبنای اول (تورم در دولت قبل) را اطلاعات بانک مرکزی در نظر گرفته و آن را درست فرض کرده بودند، اما برای مبنای دوم (تورم در دولت فعلی) اطلاعات مرکز آمار را مبنا قرار داده‌اند! درحالی‌که برای مقایسه دو رقم نباید از دو منبع مختلف استفاده کرد؛ یا هر دو مبنا باید بانک مرکزی باشد یا هر دو مرکز آمار. بنابراین اگر هر دو رقم اعلام‌شده از مرکز آمار باشد، کاهش ۲۰درصدی بی‌معناست و اگر هم قرار باشد هر دو مبنا را بانک مرکزی قرار دهیم، آن‌گاه رئیس بانک مرکزی باید اسناد و جزئیاتی منتشر کند تا مشخص شود چطور آمار تورم بانک مرکزی که سال گذشته چیزی حدود ۱۶ درصد با مرکز آمار متفاوت بوده، حالا با آن یکی فرض می‌شود؟

صالح‌آبادی گفته که نصف همین تورم فعلی نیز حاصل اصلاح ارز ترجیحی، افزایش حقوق‌ها، حقوق گمرکی و... است و قرار نیست همیشه افزایش تورم تکرار شود و روند تورم به روال طبیعی خود برمی‌گردد. بخشی در واکنش به این اظهارات صالح‌آبادی می‌گوید: آقای صالح‌آبادی یک مقام دولتی است، همان‌طور که نمی‌توان از رئیس‌جمهور انتظار داشت که بگوید وضع اقتصادی خراب است، از او هم نمی‌توان این انتظار را داشت. اگر مقام سیاسی واقعیت را بگوید احتمالا اصلا اجازه نمی‌دهند سر کار باقی بماند.

آمار تورم شفاف نیست

به اعتقاد او تصویر درست از وضعیت فعلی اقتصاد این‌چنین است: بزرگ‌ترین منبع ارزی کشور ما که همان فروش نفت است، در دست دولت است. درواقع در سیستم انحصار فروشنده داریم. همین فروشنده کسری بودجه کلان هم دارد و هر سال مخارجش به‌شدت افزایش پیدا می‌کند. مالیات‌ها هم که بیشتر از یک‌چهارم نیازهای کشور را تأمین نمی‌کند. بنابراین نفعش در این است که قیمت دلار را تا می‌تواند بالا ببرد تا بتواند هزینه‌ها را پوشش دهد. او این کار را می‌کند تا نیازمند چاپ پول نشود، اما نیازش آن‌قدر زیاد است که مرتب دست به دامان چاپ پول می‌شود.

بودجه باید دو هفته پیش تقدیم می‌شد، اما هنوز تهیه هم نشده است؛ درواقع دولت با وجود گران‌فروختن دلار، گرفتن مالیات بسیار، گرفتن وام کلان از بانک‌ها و... حتی نتوانسته دخل‌وخرجش را روی کاغذ جور کند و تحویل مجلس بدهد. دولتی که در چنین وضعیتی قرار دارد، مجبور است دلار را هر طور شده به قیمت بالا بفروشد و بخشی از گرفتاری‌هایش را حل کند. البته طبیعتا در فرایند فروش بعضی شبکه‌ها و گروه‌های قدرتمند نیز ناخنکی می‌زنند.

به گفته بخشی، هر دو مرکز اعلام آمار تورم ما، بانک مرکزی و مرکز آمار، دستگاه سیاسی و دولتی هستند و طبیعتا نمی‌توانند حرفی خلاف نظرات دولت بزنند. درحالی‌که تورم در شهر و روستا، مواد غذایی، هزینه مسکن و... متفاوت است و دولت‌ها با این اعداد بازی می‌کنند تا تلطیفش کنند، در نهایت به این عدد می‌رسند و اگر بخواهند اعداد واقعی بدهند، آمار بسیار متفاوت‌تر از این است. بنابراین سیاستشان این است که آمارگیری صحیح انجام دهند، اما در نهایت کسی که می‌خواهد آن را اعلام کند، تلطیفش می‌کند.

او می‌افزاید: ما در کشور دستگاه‌های خصوصی برای سنجش نداریم؛ درحالی‌که در همه کشورهای دنیا تورم را گروه‌های زیادی می‌سنجند و دولت نمی‌تواند درباره آن آمار غیرواقعی بدهد. در کشور ما جز بانک مرکزی و مرکز آمار، کسی آمار نمی‌دهد و کس دیگری هم نه شرایط و نه پولش را دارد که راستی‌آزمایی کند. بنابراین در عدد تورم ما سیاست نقش دارد و تورمی که احساس می‌شود با آنچه اعلام می‌شود، فرق دارد.

چشم‌انداز تیره اقتصاد با اهرم چینی

این کارشناس معتقد است برخلاف چشم‌اندازی که رئیس کل بانک مرکزی درباره آینده نرخ ارز و تورم تصویر می‌کند، چشم‌انداز آینده اقتصاد چندان روشن نیست.

بخشی علت تحلیل خود را این‌طور توضیح می‌دهد: ماجرای قرارداد جدید چین بسیار مهم است. چین بزرگ‌ترین اهرم برای فشار به اقتصاد ایران را در دست دارد؛ چون تنها دریچه تنفس اقتصاد ماست. این کشور هم بزرگ‌ترین خریدار نفت و کالاهایی مثل سنگ‌آهن ایران و هم بزرگ‌ترین صادرکننده کالا به ایران است. اگر چین اهرمش را به کار بگیرد، اقتصاد ایران شاهد یک فشار فوق‌العاده خواهد شد که شاید تحملش غیرممکن باشد. در سوی دیگر نیز اروپا و آمریکا هر روز تحریم‌های جدیدی را وضع می‌کنند. این تحریم‌ها همان سازی است که فردا صدایش درمی‌آید و همه چیز را بسیار دشوارتر می‌کند. با این وضع، دیگر همان صادرات جزئی ایران هم سخت‌تر می‌شود. بنابراین درآمدهای اصلی کشور به طرف کم‌شدن می‌رود. همچنین با افزایش فشارهای بین‌المللی در داخل، افراد بیشتری میل به خروج از کشور پیدا می‌کنند و با فروش دارایی‌هایشان و تبدیل آن به دلار، تقاضا در بازار ارز بیشتر می‌شود. همین حالا هم شایعه‌ای مطرح شده که آپارتمان‌های گران‌قیمت تهران را برای فروش گذاشته‌اند تا پولش را از کشور ببرند. افزایش روزانه قیمت دلار در این شرایط طبیعی است و این مسئله تا عید به همین شکل ادامه خواهد داشت.

او می‌افزاید: هم‌زمان به سمت پایان زمستان و کاهش تقاضای نفت هم می‌رویم. کشورهای عربی نیز ارتباط خوبی با ما ندارند و در نبود ما با افزایش عرضه، جای ما را در بازار پر می‌کنند. در چنین شرایطی طبیعتا باید منتظر جهش‌های بزرگ‌تری در نرخ ارز و تورم بود.

در شرایطی که کارشناسان می‌گویند چشم‌انداز وضعیت اقتصادی کشور چندان روشن نیست، نقدهای بسیاری به تیم اقتصادی دولت مطرح می‌شود و بسیاری از کارشناسان اعتقاد دارند ابراهیم رئیسی برای انتخاب مدیران اقتصادی در این شرایط حساس خوب عمل نکرده و به نظر می‌رسد مدیران فعلی توانمندی کافی برای عبور اقتصاد کشور از این گردنه پرپیچ‌وخم را ندارند. گذشته از این، دولت در مقابل توصیه‌های کارشناسی برای عبور اقتصاد از این وضعیت هم چندان انعطافی نشان نداده است و کمتر زیر بار پذیرش وضعیت موجود رفته و برعکس تبلیغات دولتی به سمتی رفته است که وضعیت اقتصاد را در حال بهبود نشان می‌دهد؛ اتفاقی که البته با تجربه عموم از بازارها متفاوت است و اعتماد به مراجع رسمی آماری و متولیان اقتصاد را مخدوش کرده است. این در حالی است که کارشناسان می‌گویند نخستین قدم برای اصلاح وضع موجود، ارائه گزارش صادقانه و پذیرش واقعیت است تا بتوان بر اساس آن موضوع را آسیب‌شناسی و برای حل آن اقدام کرد.

هرچند به نظر می‌آید سقف تحمل نقد از سوی کابینه سیزدهم کوتاه است و ارزیابی کارشناسان از وضعیت اقتصادی بارها با تکذیبیه‌های متعدد دستگاه‌های دولتی مواجه شده است.

اخبار برگزیده

دولت: خودرو ارزان می‌شود

وزارت صنعت دوباره برای کاهش قیمت خودرو وعده داد. مدیرکل صنایع خودرویی وزارت صنعت، معدن و تجارت گفته است: انتظار می‌رود با عرضه خودرو در بورس و انجام‌شدن واردات، التهابات بازار به‌شدت کاهش یابد و دست سوداگران و واسطه‌ها کوتاه شود. عبدالله توکلی‌لاهیجانی به ایرنا توضیح داد: پیرو مذاکرات متعدد با بورس کالا و تلاش برای برقراری تعامل خوب، به دنبال عرضه نظام‌مند خودرو در بورس هستیم. او ادامه داد: مزیتی که بورس کالا دارد، بلوکه‌شدن مبلغ پیش‌دریافت خرید خودرو در حساب خود خریداران است؛ به این معنا که خریداران باید قبل از ثبت سفارش خودرو در بورس اقدام به افتتاح حساب وکالتی کنند و تا آغاز معاملات، مبلغ پیش‌دریافت در حساب خریدار بلوکه می‌شود تا درصورتی‌که موفق به خرید شود، مبلغ مذکور به حساب بورس کالا واریز شده و به‌این‌ترتیب از بخشی از تقاضاهای کاذب و سوداگرانه جلوگیری خواهد شد.

توکلی‌لاهیجانی همچنین با اشاره به شکسته‌شدن رکورد پنج‌ساله تولید ماهانه خودرو در آبان گذشته، گفته است که با روند مثبت تولید خودرو انتظار می‌رود این رکورد مجدد در آذر شکسته شود و در کنار واردات خودرو بتواند قیمت‌ها را کاهش دهد.

پیش‌بینی قیمت بیت‌کوین

بازار کریپتو تهدید فروش ناگهانی را تجربه و آخرین چرخه بازیابی بیت‌کوین و اتریوم را خنثی می‌کند. در کنار رهبران بازار، اکثر آلت‌کوین‌ها پایین آمدند و به آخرین ارزش نوامبر نزدیک شدند و در صورت فشار فروش، مارپیچ نزولی ممکن است ادامه یابد و قیمت به زیر آخرین نوسان پایین حمایت شود.

به گزارش ایسنا، به نقل از کریپتو، درحالی‌که ابر نزولی در کمین بازار ارزهای دیجیتال است، تنها چند سکه سبزرنگ در میان صد سکه برتر قرار دارند.

فشار فروش ناگهانی در فضای کریپتو زمانی افزایش می‌یابد که فعالان بازار نگران سلامت مالی بزرگ‌ترین صرافی ارزهای دیجیتال جهان باینانس هستند. این نگرانی زمانی به وجود آمد که باینانس گزارش اثبات ذخایر خود را با مشارکت گروه مزارس (Mazars) ارائه داد که بسیاری آن را غیرشفاف می‌دانستند. علاوه‌براین اخبار منتشرشده از این گروه به تعلیق روابط با باینانس و چندین ارز دیجیتال مبادله‌شده دیگر اشاره دارند که باعث وحشت بیشتر در بازار شده است. به دلیل اینکه به‌تازگی فضای کریپتو دچار سقوط ارز دیجیتال صرافی اف‌تی‌ایکس شده است، سرمایه‌گذاران درباره چنین رویدادهایی کاملا محتاط هستند. علاوه‌براین شنیده‌ها مبنی بر اینکه فدرال‌رزرو ایالات متحده درباره افزایش نرخ بهره سخت‌گیرانه عمل خواهد کرد، منفی‌شدن بیشتری در بازار به دنبال داشت. دیروز قیمت بیت‌کوین در مرز ۱۶هزارو ۷۰۹ دلار معامله شد.

هشدار برای متروکه‌شدن عسلویه

پارس جنوبی یا عسلویه ۵۰ درصد گاز را تأمین می‌کند که اگر به تجهیزات آن توجه نشود، تبدیل به شهرک متروکه می‌شود. مالک شریعتی، سخنگوی کمیسیون انرژی مجلس به اعلام این موضوع گفت: بر اساس کمیسیون انرژی شاید ناترازی گاز در چهار سال آینده مشکل جدی نباشد و عبور کنیم، اما از ۱۴۰۵ روند کاهش تولید آغاز می‌شود.

به گزارش ایلنا، شریعتی با اشاره به ائتلاف بالای انرژی در ایران گفت: درحال‌حاضر ۲۳ درصد انرژی معادل سه میلیارد بشکه نفت خام در کشور هدر می‌رود که می‌توان با سرمایه‌گذاری روی مدیریت مصرف این میزان را کاهش داد.

او با بیان اینکه شدت مصرف در کشور ما دو برابر اتحادیه اروپا است، گفت: می‌توان این سرمایه‌ای را که اتلاف می‌شود، تبدیل به خوراک کرد؛ یعنی با یک ریال سرمایه دو برابر آورد داشته باشیم.

ورشکستگی کوه طلا

یوسف مرتضائی*: مدیرعامل کنونی شرکت مخابرات دو سال قبل زمانی که این مسئولیت را بر عهده گرفت، در اظهاراتش شرکت مخابرات را به کوه طلا تشبیه کرد، اما حالا شاهد ورشکستگی (یا القای ورشکستگی) این کوه طلا به روایت وزیر ارتباطات هستیم.

شرکت مخابرات ایران بر اساس قانون سیاست‌های اجرائی اصل ۴۴ که در جهت توسعه عدالت اقتصادی ابلاغ شده، از سال ۸۸ به بخش خصوصی واگذار شده است. طبق همان قانون، این واگذاری با طی مراحل زیر از طریق سازمان خصوصی‌سازی و برگزاری مزایده در بورس انجام شده است.

ـ در گام اول فرایند واگذاری، شرکت مخابرات ایران از شرکت سهامی خاص به شرکت سهامی عام تغییر ماهیت داده و در اداره ثبت شرکت‌ها و مالکیت معنوی به‌عنوان شرکت سهامی عام برابر ماده (۱) اساسنامه شرکت، به ثبت رسیده است. در ماده (۲) اساسنامه، موضوع فعالیت شرکت شامل تلفن ثابت، سیار (همراه) و انتقال داده است. در اساسنامه به‌ثبت‌رسیده، شبکه تلفن همراه بخشی از دارایی یک کل واحد به نام شرکت مخابرات ایران (سهامی عام) است.

ـ در گام دوم، از سوی وزارت ارتباطات فقط یک پروانه بهره‌برداری به شماره ۱۰۰/۱۱۰۰ برای فعالیت شرکت مخابرات صادر شده است؛ یعنی پروانه بهره‌برداری فقط برای یک شرکت ثبت‌شده به شماره ۳۲۵۰۸۲ موضوعیت دارد و در بند ۱ ماده ۵ آن پروانه اعتبار پروانه فقط در قالب «یک شرکت ثبت‌شده» تأکید شده است.

ـ در گام سوم، توسط هئیت وزیران تصویب‌نامه شماره ۱۶۳۹۵۵ جهت واگذاری شرکت مخابرات ایران طی یک مزایده صادر شده است.

در فرایند فوق، هم اداره ثبت شرکت‌ها برابر اساسنامه ثبت‌شده، هم وزارت ارتباطات در پروانه بهره‌برداری صادره و هم تصویب‌نامه هیئت وزیران، شبکه تلفن سیار (همراه اول) جزء لاینفک شرکت مخابرات ایران است. بر اساس مستندات فوق که ناشی از قانون سیاست‌های اجرائی اصل ۴۴ است، سازمان خصوصی‌سازی شرکت مخابرات ایران را به عنوان شرکتی واحد و طی یک مزایده در بورس واگذار کرده؛ یعنی فقط یک «کشف قیمت» برای کل شرکت مخابرات ایران انجام شده است. به لحاظ اساسنامه، پروانه، تصویب‌نامه و پروسه واگذاری در قانون، مهم‌ترین بخش «کشف قیمت» برای شرکت واگذاری‌شده است که با فروش پنج درصد از سهام شرکت مخابرات ایران در بورس به دست آمده که مسلما آن اقدام قبل از واگذاری است؛ یعنی شرکت همراه اول ماهیت مستقل نداشته و در کشف قیمت جزء لاینفک شرکت مخابرات ایران است.

اگر شرکت همراه اول ماهیت حقوقی منفک از شرکت مخابرات ایران داشت (که الان منفک از مخابرات است) باید قبل از واگذاری با طی فرایند قانونی فوق به‌عنوان یک شرکت سهامی عام تفکیک و به‌عنوان یک شرکت مستقل کشف قیمت و به مزایده گذاشته می‌شد. در واقع تفکیک شرکت مخابرات ایران به یک یا چند شرکت مستقل مانند شرکت همراه اول، برابر مستندات فوق قانونی به نظر نمی‌آید.

برابر مستندات فوق، رابطه شرکت ارتباطات سیار (همراه اول) با شرکت مخابرات سهم‌الشرکه است؛ یعنی ارتباطات سیار بخشی از دارایی شرکت مخابرات ایران است. اما حالا رابطه شرکت همراه اول با شرکت مخابرات ایران از مالکیت خارج شده و به شکل سهام (عام) است؛ یعنی شرکت مخابرات ایران دارنده سهام آن شرکت است نه مالک آن شرکت که ناشی از تفاوت اختیارات بین سهم‌الشرکه و سهم (سهام عام) در قانون است (برای مثال دارنده سهام مخابرات (اخابر) نمی‌تواند در مجامع همراه اول شرکت کند و برای این کار باید حتما سهامدار خود شرکت همراه اول باشد).

تفکیک فوق فقط یک تفکیک اسنادی نیست، بلکه تجربه کشورهای مشابه در واگذاری شرکت‌های ارتباطی دولتی به بخش غیردولتی نشان داده است جداکردن این دو شرکت به‌عنوان دو شرکت مستقل که عملا هر دو بستر ارتباطی مشترکی دارند و این بستر با توجه به تغییرات سریع در تکنولوژی‌های ارتباطی خصوصا در هسته مرکزی شبکه، نیازمند به‌روزکردن مدام است و ایجاد شبکه‌های موازی برای هر شرکت مستقل، اتلاف منافع ملی است. از سوی دیگر این تفکیک باعث می‌شود یک شریک تجاری به یک رقیب تجاری تبدیل شود.

با مقایسه تعرفه تلفن ثابت به‌عنوان «خدمات عمومی» (مانند خدمات راهسازی) و تعرفه تلفن همراه به‌عنوان خدمات اختصاصی که در تمام دنیا نیز گران است، جداکردن تلفن همراه به‌عنوان یک شرکت مستقل به مرور باعث کاهش سطح ارائه خدمات عمومی در کشورها می‌شود و نهایتا منجر به کوچ مشترکان از تلفن ثابت به تلفن همراه شده است که در بهای تمام‌شده دیگر فعالیت‌های از قبیل تجاری، فرهنگی و آموزشی مؤثر است. با عدم سرمایه‌گذاری اپراتورهای بخش خصوصی در تلفن ثابت به‌خاطر سرعت کم بازگشت سود سرمایه، اپراتورها سعی دارند الگوی رفتاری مشترکان را تغییر داده و به سمت استفاده از تلفن همراه هدایت کنند که باعث سیر نزولی در ارائه خدمات عمومی است. اتفاقی که الان در کشور ما هم افتاده و شرکت مخابرات ایران یا همان کوه طلا را هم درگیر معضل ورشکستگی و هم کاهش سطح ارائه خدمات عمومی به لحاظ ضریب نفوذ و کیفیت کرده است.

برای متقاعدکردن اذهان عمومی، نمایندگان مجلس، هئیت دولت و رسانه‌ها، تعریفی از شرکت مخابرات ایران ارائه می‌شود که تمام مشکلات محدود به تلفن ثابت است و شرکت همراه اول یک شرکت مستقل با حساب‌وکتاب جداست که ربطی به مشکلات شرکت مخابرات ندارد تا ورشکستگی در شرکت مخابرات توجیه‌پذیر باشد. درحالی‌که هدف از ابلاغ قانون سیاست‌های اجرائی اصل ۴۴ توسعه، عدالت اقتصادی و اجتماعی است که الان خبری از آن عدالت اقتصادی در شرکت مخابرات ایران برای کارکنان و بازنشستگان و به‌ویژه توسعه «خدمات عمومی» نیست که ریشه آن در تفکیک همراه اول است و باید هرچه زودتر این اشتباه اصلاح شود.

سهامدار عمده شرکتی واحد و یکپارچه را طی یک مزایده خریداری، اما بخش سودآور آن را که همراه اول است، از شرکت مخابرات ایران جدا کرده است و با توجه به عدم سرمایه‌گذاری در تلفن ثابت به‌عنوان یک سرویس عمومی در این سال‌ها و انتقال هزینه‌های شبکه‌های ارتباطی مشترک و به‌ویژه پرداختی‌های بازنشستگان، صرفا به تلفن ثابت، در تلاش برای نشان‌دادن درآمد کم و هزینه‌های بالا در تلفن ثابت و نهایتا القای خطر ورشکستگی آن شرکت است.

درحالی‌که طبق مستندات فوق و ابلاغ اصل ۴۴، سود یا ضرر (اگر ضرری باشد) قابل تفکیک به دو شرکت نیست. دولت، دارایی خودش یا همان دارایی مردم (مانند ودایع) را به سهامدار عمده واگذار نکرده است که خریدار سود را از ضرر جدا کند و سود شرکت را از شرکت همراه اول و ضرر شرکت را در تلفن ثابت نشان دهد تا هزینه خروج از ورشکستگی را از جیب مردم با افزایش تعرفه‌ها یا از جیب دولت که باز جیب مردم است با کاهش حق‌السهم قانونی دولت از پروانه بهره‌برداری تحمیل کند. برای مثال اگر مبالغ مستمری برای بازنشستگان پرداخت می‌شود، نمی‌توان این مبالغ را فقط در هزینه‌های تلفن ثابت نشان داد و شرکت همراه اول را مستقل از آن دانست. به نظر می‌رسد سهامدار عمده در ایجاد این نگاه به مخابرات موفق شده است و با مساعدت دولت، دست‌بردن در جیب مشترکان هنور رضایت سهامداران عمده را برآورده نکرده و درست بعد از ابلاغ افزایش تعرفه‌ها توسط وزیر ارتباطات شاهد استارت کاهش سهم قانونی دولت از محل پروانه بهره‌برداری، با طرح ورشکستگی مخابرات در صورت عدم کمک دولت هستیم! شاید این بار هم به اسم بازنشستگان و به کام سهامداران قرار است دست در جیب دولت ببرند و بخشی از هزینه‌های خودشان را به بودجه کشور تحمیل کنند که حداقل مخالف ماده ۴ دیوان محاسبات عمومی کشور است.

اما چرا افزایش تعرفه‌ها فقط به کام سهامداران است؟ چون در مصاحبه‌های مختلف افزایش تعرفه‌های تلفن ثابت را به سرمایه‌گذاری در شرکت و پرداخت مطالبات قانونی بازنشستگان گره زده‌اند و با گذشت نزدیک به چهار دوره از افزایش تعرفه‌ها هنوز مطالبات بازنشستگان و شاغلان پرداخت نشده و کوچک‌ترین گام مثبتی هم برای مساعدت برنداشته‌اند.

وزیر ارتباطات گفتند «بدون کمک دولت، شرکت مخابرات ورشکست خواهد شد». باید متذکر شد طبق پروانه وزیر ارتباطات می‌توانند با عدم تمدید پروانه جلوی این خسران را در کشور بگیرند و اجازه ندهند برای پنج سال دیگر این خسارت مدیریتی ادامه داشته باشد. از هر جا جلوی ناکارآمدی گرفته شود به نفع منافع عمومی است.

از اعتبار پروانه بهره‌برداری ۱۵ساله، حدود یک سال باقی است و پروانه باید در ماه‌های اخیر تعیین تکلیف شود. طبق نظر وزیر ارتباطات، دارنده پروانه در نزدیک به ۱۴ سال بزرگ‌ترین شرکت ارتباطی منطقه را به سوی ورشکستگی برده و از همه مهم‌تر سرمایه‌گذاری در خدمات عمومی را عملا هزینه برای شرکت قلمداد کرده است.

علاوه بر وزیر ارتباطات که در تمدید و نظارت بر پروانه مسئولیت مستقیم دارد، دیگر مراجع نظارتی کشور ازجمله مجلس به‌عنوان وکیل جامعه در حفاظت از منافع عمومی با ورود به پروسه تمدید پروانه نباید اجازه ادامه این وضعیت را برای پنج سال دیگر در کشور بدهند یا در صورت تمدید، باید به طور شفاف درباره سرمایه‌گذاری در بخش خدمات عمومی و پرداختی‌های بازنشستگان و کارکنانی که در فرایند واگذاری از دولتی به غیردولتی منتقل شده‌اند، حقوقی از زمان دولتی‌بودن دارند که بر عهده خریدار است. برای ایجاد عدالت اقتصادی و اجتماعی که توسط مقام معظم رهبری ابلاغ شده است، باید به‌عنوان الزامات تمدید پروانه برابر جزء «د» بند ۲ ماده ۳ پروانه لحاظ شود.

*عضو شورای هماهنگی کانون‌های بازنشستگان مخابرات کشور